



# هَمْرَاهُ بِالْإِمَامِ نَبِيِّ

## حج

### پایگاه انقلاب جهانی اسلام



پاسخ می دهد که انسان در اساس فطرت خویش مجذوب کمال مطلق است که عاشقانه بسویش برمی کشد و حرکت و هجرت خود را با این هدف آغاز می کند و این حرکت و هجرت مبدأ پیدایش تضادها با هرآنچه چیزی است که او را از این حرکت و هجرت بازمی دارد و در نتیجه درگیری و مبارزه و جهاد آغاز می شود و در این جهاد و مبارزه، پیروزی انسان مهاجر الی الله سنت قطعی الهی است خواه آنجا که دشمن را نابود می سازد و خواه آنجا که به شهادت می رسد که پیروزی وی در صورت دوم یعنی شهادت جاودانه تر است هم خود به وصال معشوق و به کمال مطلق و محبوب رسیده و هم راه را برای سایر انسانهای مهاجر آماده تر ساخته است «لَقَدْ وَقَعَ اجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» و شاید یکی از نکاتی که در این آیه مبارکه از دو حالت و دو صورت فوق تنها به دومی اشاره شده است همین باشد که مهاجر شهید زودتر و قطعی تر به هدف رسیده است.

#### رهبری در انقلابها

«و هزاران شکر که ما را از امت خاتم النبیین محمد مصطفی صلی اله علیه وآله وسلم قرار داد افضلی و اشرف موجودات».

پیام به موضوع دیگری در ادامه بحث می پردازد و آن مسأله رهبری در انقلابهای تاریخ است و بدون شک در پیشبرد انقلاب و مراحل تکامل آن در طرح شعارهای اصولی و منطقی انقلاب، در شناخت توطئه های دشمنان، در پیروزی و تداوم آن و در تعمیق اصول و شعارها و توان مقابله با موانع در پیاده کردن شعارهای انقلاب، رهبری امری ضروری و اصلی غیرقابل تردید است و در اسلام این اصل تا آنجا اهمیت دارد که گفته شده است و: «مانودی احمد بشی کمانودی بالولایة» رهبری هر انقلابی تجسم ارزشهایی است که آن انقلاب مطرح می سازد و مسأله رهبری و شرایط آن و فلسفه لزوم پیروی و اطاعت از رهبر در هر مکتب و هر جامعه ای تابعی است از طرز تلقی آن مکتب و جامعه از انسان و میزان اصالت و ارزش دادن به این پدیده شگفت آفرینش، در پیش اسلام انسان تا آنجا با کرامت و آزاد شناخته شده است که هیچکس جز تفرید گار جهان و انسان حق ندارد نسبت به وی فرمان براند و آزادی فطری و طبیعی وی را محدود سازد و نیز اطاعت انسان از هر کس و تسلیم وی در برابر هرفدزنی و حتی عشق و پرستش هر موجودی جز الله که کمال و وزیانی و جمال و جلال مطلق است «و با ظهور جمیلتی پرده از جلالش برافکند که: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» اهانت به مقام و منزلت انسان است و اطاعت انسان از انسان دیگر در موردی جایز است که امر و نهی و همه دستورات و فرمانهای او از ناحیه همان حقیقت مطلق باشد بطوریکه اطاعت از آن انسان در واقع اطاعت از خدا باشد که در غیر این صورت نه جایز است و نه در شأن و منزلت انسان. اسلام برای رهبری انسانها فردی را سزاوار می داند که در توصیف وی می گوید: «وَسَابِقُ الْعِلْمِ الْهَدْيِ انْ هُوَ الْأَوْحَىٰ يَوْحَىٰ» و هرگز سخنی را که میگوید و بداند سخن مردم را به فعلی با ترک فعلی به قیامی یا فعودی، به سنیز و جنگ با ظلم و ظالمان یا صلح و سازش با فرد یا ملتس و یا هر چیز دیگری و به هر روشی دعوت می کند این سخن کمترین اثری و نشانه ای از هواهای نفسانی ندارد و فقط و تنها برای خیر و صلاح انسانها و ملتها سخن

«وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ».

در شماره قبل گفتیم که پیام، به این سؤال که در برابر تمامی مکاتب مطرح است پاسخ میدهد که: چرا در تاریخ انسان مبارزه رخ می دهد؟ چرا انقلابها اتفاق می افتد؟ انسانها در جستجوی چه چیز علیه فدرتندان زورگو و مستغریام می کنند؟ آیا محرک انقلاب از درون خود انسان و از متن وجود وی سرچشمه می گیرد؟ و یا محرکهای خارجی جبراً او را وادار به اقداماتی می سازد که در نتیجه تحولاتی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و سایر شئون زندگی انسان رخ می دهد؟ و بدینسان انسان همیشه ابرازی بی اراده در دست این محرکهای خارجی است.

پیام با جهان بینی خاص اسلام و با شناخت صحیح از وجود به این سؤال اساسی



## ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم. و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم.

امام خمینی

جن فرموده (أَنَا نَحْنُ تَزَلْنَا الذِّكْرَ وَأَنَا لَهُ لِحَافِظُونَ)...

سومین موضوعی که پیام بدان پرداخته است قرآن و نقش آن در تدوین انقلاب جهانی اسلام است و پاسخ به یک سؤال مهم که در برابر هر انقلابی مطرح است و آن اینست که با توجه به تجربه همه انقلابات تاریخ که پس از پیروزی بر نظام حاکم ضدانقلاب به سرعت خود تبدیل به یک رژیم حکومتی می گردد که برای تثبیت ارزشهای جدید و ایجاد سیستمی نو بر اساس این ارزشها از حرکت باز می ایستد و چون تاریخ در حال حرکت است فهره نظام در حال ایستایی و سکون آرام آرام از یک نظام انقلابی به یک رژیم ضدانقلاب تبدیل می گردد و طبق سنت تاریخ همه حرکتهای انقلابی سرانجام بر نظامها و رژیمهای ایستا که در برابر آنها قرار دارند پیروز خواهد شد و جای رژیم حاکم و ضدانقلابی را اشغال می نماید و این جریان یعنی جایگزینی هر انقلاب بجای رژیم و نظام حاکم ضدانقلاب و سپس تبدیل خود به یک رژیم ضدانقلابی و سپس نابودی آن و جانشینی انقلاب جدید و ارزشهای آن بجای رژیم قبلی و همچنین... ادامه دارد.

اکنون با توجه به این تجربه، چه تضمینی هست که انقلاب اسلامی به همین سررشت دچار نشود و سرانجام عمر انقلاب اسلامی یعنی اسلام به سر نیاید و انقلابی دیگر با ایدئولوژیهای دیگر جایگزین آن نشود همچنانکه مارکسیسم و طرفداران آن معتقدند که دوران تاریخی اسلام به سر آمده است و اکنون دوره ای دیگر از تاریخ پیش آمده است که اسلام پاسخگوی مسائل آن نمی تواند باشد چرا که اسلام پاسخی به نیاز دوران تحول فئودالیسم به سرمایه داری بوده است و اکنون تاریخ در مرحله تحول از سرمایه داری به سوسیالیسم قرار دارد و امروز مارکسیسم تنها نظریه ای است که از عهده پاسخ به نیازهای این مرحله برمی آید پس در حقیقت انقلاب اسلامی که در پانزده قرن پیش پا به عرصه گذارده است دوران خود را سپری کرده و صحنه را به انقلاب دیگری واگذار نموده است و پیام در این فراز به این سؤال مهم نیز پاسخ می دهد.

آیة قرآن کریم را بعنوان صورت کتیبه حضرت غیب معرفی می کند که برای من و امثال من یا هیچ قایل فهم و درک نیست با چندین در دسترس ادراک افراد عادی در نمی آید زیرا که برای ما مشکل است بفهمیم حقیقت این سخن را که ذات مستجمع جمیع کمالات در صورت کتیبه خود در این کتاب متجلی است و با صورت کتیبه آن غیب مطلق خود این کتاب است یعنی قدرت و علم و حیات و جلال و جمال و همه زیباییها و پاکیزها و نیکبها اگر در قالب کتابت تصویر شود همین قرآن خواهد شد که در دست مسلمین است یعنی در عالم کتابت کتابی پایدارتر و منجمنتر و رساتر و مستحکمتر از این کتاب نخواهد بود. کتابی زیباتر، شویاتر، بلغتر از قرآن نیست، کتابی نوشته شده از عمیقترین، جامعترین، بی نهایتترین ظرفیت علمی وجود که متحد با قدرت و حیات مطلق است که کل جهان هستی فقط با یک اشاره او موجود است، کتابی که هر کلمه و هر جمله و مجموعه ای آن چنان تنظیم شده است که دقیقاً بر اندام جهان هستی راست آمده است و کتابی است زنده و همچون عالم وجود دارای اعماق بی انتها که همه دانشمندان و فیلسوفان و عرفا و فقها و محققان و جامعه شناسان و تاریخ دانان و هر پژوهشگری را سیراب می سازد و از اقبانوس بی کران آن چیزی کم نمی شود و همیشه نو و تازه است ولی همه اینها بازم معرک این کتاب نیست چرا که

می گوید پس اطاعت و عمل به دستورات او همان اطاعت و عمل به فرمان خداست و حتی انسانی که در مقام رهبری اقتت اسلامی است تا آنجا تسلیم اراده خداوند و اراده اوفاتی در اراده حق است که قرآن کریم اطاعت از او را نشانه محبت به خدا می داند: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» و حتی نمره و نتیجه پیروی از او را محبت خداوند به انسان می داند و بحق از بزرگترین نعمتها و نیز از افتخار آمیزترین ارزشها برای انسانهای مسلمان مؤمن این است که شخصیتی چون پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی اله علیه و آله وسلم رهبر آنان است: «و هزاران شکر که ما را از امت خاتم النبیین محمد مصطفی صلی اله علیه و آله وسلم قرار داد افضل و اشرف موجودات» و اگر نظری به دهها و صدها مدعیان رهبری بیفکیم که با کجها و انحرافات خود و یا با نقصها و کمبودهای شناختی و یا خصصتی خود مفتحا را در نیمه راه تسلیم دشمنان نمودند و یا با نجات آنان از سلطه قدرتی شیطانی گرفتار شیطان دیگری نموده اند آنگاه متوجه میشویم امامت و رهبری پیامبر عظیم الشان اسلام چه نعمت بزرگ و چه افتخار ابدی است برای پیروان آنحضرت و در طول تاریخ اسلام نیز تنها کسانی شایسته مقام رهبری و زعامت مسلمین هستند که در خط همان رهبر باشند که نیاز به دو ویژگی دارد: ۱- شناخت کامل خط رهبری ۲- پداده کردن کامل آن خط در عمل و زندگی و فلسفه وجودی و شیخ و اصرار بر رهبری امیرالمؤمنین علی علیه السلام و جانشینان پس از آنحضرت بعد از رحلت پیامبر اسلام از همین بینش نشأت می گیرد و تا امروز نیز این تفکر و بینش اصالت خود را همچنان حفظ کرده است و منرفی ترین شیوه های دموکراتیک در اداره جامعه هنوز تاب مقابله با این تفکر را ندارد و مسئله ولایت فقیه در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران نیز از همان اصل و فلسفه آن سرچشمه گرفته است و بحق باید گفت که:

«و هزاران شکر که ما را از پیروان خمینی قرار داد آشناترین انسان به خط رهبری پیامبر عظیم الشان و آگاهترین اسلام شناس زمان که در عمل نیز قیای پای جان بدان پایند است»، انسان مؤمن و عالم عادل که پیروی از او بحکم عقل و شرع نه تنها جایز است که لازم و واجب است و این فرمان خدا است و در شان و منزلت و کرامت انسان، فقهی آگاه و مجتهدی متقی که مخالفت با او جز انحراف و کجی چیزی نیست امروز اگر انسان مسلمانی رهبری او را نپذیرد با چه کسی برای مبارزه با طواغیت و موانع راه تکامل انسان بیعت می کند در زمان ما کدام رهبری برای مبارزه با شیطین و قدرتمندان ضد خدا جز او هست که خود در دامن همان قدرتها بدلیل ضعف شناخت با ضعف نفس نیفتاده باشد!!! چه بسیارند مدعیان رهبری که برای خارج شدن از جاذبه قدرتمند یکی از دو قطب سلطت جهانی خود و ملتی را گرفتار و اسیر قطب مقابل ساخته اند.

### منشور جهانی و ابدی انقلاب

«و از پیروان قرآن مجید اعظم و اشرف کتب مقدسه و

صورت کتیبه حضرت غیب».

«مستجمع جمیع کمالات بصورت وحدت جمعیه و

ضمانت حفظ و حیانت آنرا از دستبرد شیاطین انس و



## آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود.

امام خمینی

### جهد و جهاد

و با این بیان به آن سوال مهم پاسخ می‌دهد که این انقلاب یعنی انقلاب جهانی و ابدی اسلام به دو علت یا دو اصل از خطر سایر انقلابها یعنی تبدیل شدن به یک رژیم ایستا و ضدانقلاب مصون است و همیشه در حال انقلاب باقی است و آن دو اصل عبارتست از یک: حب به خدا و دو: جهاد مستمر در راه آن و سایر انقلابها یا فاقد این هر دو اصل و یا یکی از آن دو هستند یعنی انقلاب اسلامی آنگاه شکل می‌گیرد که انسان عاشق خدا برای رسیدن به آن کمال مطلق حرکت می‌کند و به پرواز درمی‌آید پس اولاً همه چیز را در جهان، گذرا و منقبر نمی‌داند و معتقد است یک حقیقت ثابت و ازلی و ابدی هست که لایتغیر است و به تبع آن حقیقت ثابت و مقدس ارزشها و اصولی نیز در جهان ثابت و لایتغیر است که انسان برای وصول به معشوق خویش تلاش می‌کند که به آن ارزشها و اصول دست یابد و دسترسی به آنها که نردبان وصول به کمال مطلق است جهادی مستمرا می‌طلبد که این جهاد مستمر ضامن رسیدن به آن ارزشهاست و استمرار این جهاد خود ضامن پویایی انقلاب است، جهاد، سراسر حرکت است، حرکتی شتابان که یک لحظه انسان مجاهد آرام نیست انقلاب آنگاه از حرکت می‌ایستد که جهاد را رها می‌کند و کار را پایان یافته اعلام می‌کند و اقامت اسلام و قرآن کریم که حرکت انقلابی پیامبر عظیم الشان اسلام بر پایه آن آغاز شده است انسان را در طول زمان و همه انسانها را به سوی چیزی دعوت می‌کند که رسیدن به آن در گرو جهاد است، جهاد در راه خدا و هراسانی برای رسیدن به آن کمال مطلق تا زنده است و تا جهان هست باید دائم در جهاد باشد. اگر پیامبر اسلام (ص) تا امروز زنده بود، تا امروز دائم در حال جهاد بود و اگر شعله‌های مقدس انقلاب در مقاطع تاریخ رویه سردی رفته است علت اساسی آن ترک جهاد بوده است و انقلاب اسلامی از آنجهت ایستا و میرا نیست چون قرآن در میان مسلمین است و هرگاه گروهی از مسلمین از جهاد باز می‌ایستد و جهان اسلام رویه ضعف می‌رود و اسلام پویایی خود را از دست می‌دهد قرآن که صورت کتیبه حضرت غیب است و زنده است، مسلمانان را به جهاد فرا می‌خواند و حرکت انقلاب شتاب جدیدی بخود می‌گیرد و حیات تازه‌ای آغاز می‌شود؛ پس اگر انقلاب اسلامی در مقطعی از زمان و یا نقطه‌ای از زمین پیروز شد و نظام فاسد پیشین را درهم کوبید و خود تأسیس نظام جدید و رژیم جدیدی نمود، اگر همچنان در حال جهاد باقی بماند هرگز تبدیل به یک نظام ایستا و ساکن و ضدانقلاب نخواهد شد و اگر رهبران حرکت و هواداران انقلاب، این بزرگترین اصل اسلامی یعنی جهاد را رها کردند رژیم حاکم اسلامی تبدیل به حکومتی ضدانقلابی شد، مجدداً کتاب خدا و اسلام برخاسته از آن مسلمانان را به قیام دعوت می‌کند و اسلام قرآن یعنی اسلام انقلابی علیه رژیم ضدانقلابی و بنام اسلام با جهاد فی سبیل الله برمی‌خیزد و آنرا درهم می‌کوبد و خود جایگزین آن می‌شود و این دو اصل یعنی حب به خدا و جهاد فی سبیل الله، پویایی اسلام انقلابی را تضمین می‌نماید و آنچه در سایر انقلابها رخ داده و می‌دهد یا اصل دوم رها شده است نظیر آنچه در مسیحیت و کین یهود اتفاق افتاده که ترک جهاد در برابر ستم به تحریف در کتاب و انحراف در عقائد نیز انجامید و انقلاب پیامبر اسلام در حقیقت احیاء شریعت موسی و عیسی علیهما السلام و تکمیل آن بود و بنا بر حرکتی جز بر پایه حب به خدا است که سرنوشته جز باز ایستادن از حرکت و تبدیل به حرکتی ارتجاعی و ضدانقلابی ندارد.

این کتاب، «صورت کتیبه حضرت غیب مستجمع جمیع کمالات بصورت وحدت جمعی» است و خواننده‌ها توجه دارد که مقصود از کتاب و کتاب مرقوم فی لوح محفوظ است همچنانکه آن غیب مطلق و مستجمع جمیع کمالات از دسترس ادراک و اندیشه بیرون است این صورت کتیبه آن حضرت غیب نیز از دسترس شیاطین انس و جن مصون است و این صیانت را حضرتش ضمانت فرموده است «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» و از این کتاب نه یک حرف کم و نه یک چیزی کاسته شده و با بر آن افزوده اند و با این عقیده را به این و آن نسبت می‌دهند، با مأمورند که چنین ادعای گزاف و بی پایه‌ای را در میان مسلمین برای بهره‌برداری دشمنان آنان منتشر سازند و یا از لوازم اعتقاد خود غافلند که قطعاً اگر توجه می‌کردند بدان ملتزم نمی‌شوند، این دست توجه نگرفته‌اند که این اعتقاد تکذیب خود این کتاب است که می‌گوید و آتاله لحافظون و امانت به صحابه گرامی پیامبر بزرگوار اسلام است اگر تصور شود آنان نابدان پایه به این یادگار بمانند آنحضرت و کلام مقدس ذات اقدس حق بی اعتبار بوده‌اند که متوجه نشدند به آن دستبرد زده شد و با فهمیدند و لیکن سکوت کردند و از کنار این خیانت بزرگ گفتند و حاشا که آن بزرگواران خاصه معصومین از آنان اجازه چنین جسارتی را به ساحت این کتاب آسمانی داده باشند همچنانکه در موضوع مهم دیگری چون موضوع رهبری سکوت نکردند و علیرغم همه تهدیدها و فشارها و تبعیضها و کشتارها و اسارتها در طول بیش از دو قرن تا زمان غیبت و از آن زمان تا به امروز بر سر این مسئله حیاتی جهان اسلام همه دلسوختگان اسلام پای فشردند و امروز عملاً به نیاز جهان اسلام که گرفتار بحران رهبری است پاسخ لازم را دادند، آیا با این تجربه زنده‌ای که در برابر ما و تاریخ هست می‌توان باور نمود که در برابر تحریف کتاب سکوت کردند، و گذشتند و این ودیعه الهی را سالم از آورنده آن تحویل گرفتند و ناقص به نسل پس از خود تحویل دادند حاشا که به ساحت مقدسان چنین اهانتی از مسلمانی روا باشد. سپس پیام می‌افزاید:

«در این کتاب جاوید می‌بینیم که فرموده «قل ان کان آبائکم و ابناؤکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقرب قربوهما و تجارة تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیلہ فترضوا حتی یاتی الله بامرہ و الله لایهدی القوم الفاسقین»

«... بعد از حب خدای تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده و تنبیه داده که جهاد فی سبیل الله در راس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد منتظر عواقب آن باشید از ذلت و اسارت و بر باد رفتن ارزشهای اسلامی و انسانی و...»